

بسمه تعالی

شخصیت شناسی اشعث بن قیس کندی و عملکرد وی در حکومت امیر المومنین

زینب قراباغی^۱

چکیده:

اشعث درمقاطع حساس تاریخی در حکومت امیر المومنین مثل جنگ صفین، جریان حکمیت و شهادت امیر المومنین نقش های مهم و کلیدی را داشته است که اگر به گونه درست به این شخصیت و نحوه عملکرد او پرداخته نشود باعث کج فهمی حکومت امیر المومنین و تاریخ آن زمان می شود. گرچه او در شمار بیعت کنندگان با امیر المومنین بود اما در حقیقت عنصری نبود که مطیع پیشوای خود باشد و در هر شرایطی به تشخیص امام عمل کند و یک سری اعمال که اندازه آن هم کم نیست بر اساس اجتهاد های شخصی خود انجام میداد و دلیل نفوذ او در بدنه سپاه امیر المومنین باعث اختلال در سطح حاکمیت امیر المومنین می شد؛ این امر نه تنها در مخالفت ها و کارشکنی های او عیان می شد بلکه کار به آنجا رسید که امام رو تهدید به قتل نیز کرد و در آخر به صورت غیر مستقیم شریک قتل امام شد. که در این پژوهش با استفاده از منابع تاریخی، حدیثی و کلامی متاخر و بعضا متقدم تشیع و اهل سنت به تحلیل این شخصیت و اقدامات تاریخ او خواهیم پرداخت.

مقدمه:

یکی از شخصیت های تاریخی پر چالش در حکومت امیر المومنین اشعث بن قیس کندی می باشد او از افراد پر نفوذ در بین آحاد مردم خصوصا قبیله خودش بود. او در میان مردم آن چنان محبوبیت داشت که علاوه بر قبیله خود بقیه مردم هم به نظرش گوش فرا می دادند.

1. مقطع عمومی، سطح دوم حوزه علمیه مشکات اندیشه

اشعث به دلیل روحیه منفعت خواهی خود در بسیار از مواقع حساس حکومت امیر المومنین موضعی را اتخاذ کرده که باعث آسیب به حکومت حضرت شده ؛ که در برخی از موارد حضرت با اقدامات او برخورد کرده است ولی به دلیل نفوذ اشعث در میان مردم باعث خنثی شدن برخورد امام شده است. او همچنین فرمانده آذربایجان بوده که با به حکومت رسیدن امیر المومنین توسط حضرت عزل شد؛

این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که اقدامات اشعث بن قیس چه تاثیر های نا مطلوبی بر حکومت امیر المومنین داشته تا بدان جا که امام را تهدید به قتل کرده است ؟ و حضرت چه اقداماتی در مقابل با او انجام داده است.

اهمیت این تحقیق این است که اگر به گونه درست به این شخصیت و نحوه عملکرد او پرداخته نشود باعث کج فهمی حکومت امیر المومنین و تاریخ آن زمان می شود. و اگر به صورت درست به این شخصیت و دیگر شخصیات موثر بر حکومت امیر المومنین پرداخته شود و تحلیل درستی از اقدامات آنها ارائه دهند کمک شایانی به فهم درست حکومت امیر المومنین خواهد کرد.

پیش از این نوشتار آقای جعفر آقازاده در مقاله خود با عنوان **حکومت اشعث بن قیس در آذربایجان و آقای شکر الله خاگرد** در مقاله **موقعیت یابی اشراف قبیله ای در دوران خلفای راشیدن با تکیه بر نقش اشعث بن قیس و همچنین علی بهرامیان** در مقاله **اشعث بن قیس کندی خود، در ارتباط با این شخصیت نوشته شده** اند که بهترین آنها مقاله ،دکتر علی بهرامیان می باشد ؛ که به صورت فشرده به بیان شخصیت اشعث پرداخته ولی نکته که نوشته حاضر را از آن مقالات متمایز میکند پرداختن دقیق به چالش های حکومت امیر المومنین و نقش اشعث در آنها و در نهایت شهادت حضرت امیر است تا کنون مقاله با این رویکرد به زندگانی او نپرداخته است.

کلید واژه: اشعث بن قیس ، جنگ صفین ، حکومت امیرالمومنین ، حکمیت ، شهادت امیر المومنین.

معرفی اشعث بن قیس در زمان رسول خدا و خلفا

اشعث بن قیس کندی از جمله بزرگان یمنی تبار کوفه در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام بود که ریاست قبیله کنده در حضرموت را بر عهده داشت. مورخین نگاشته اند که او نیز در آن سال به همراه تعدادی از اهالی قومش به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله رهسپار شد تا اسلام بیاورد و قبیله خویش را تحت لوای اسلام قرار بدهد.^۱ پس از اینکه نمایندگان کنده با رسول خدا صلی الله علیه و آله پیمان بستند، اهالی آن قبیله مسلمان شدن؛ اما دیری نپایید که با شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله، اختلافات مالی در پرداخت زکات به عاملان ابوبکر را بهانه کردند و از اسلام خارج شدند. در این میان، اشعث بن قیس طلایه دار ارتداد آن منطقه شده بود.^۲ حتی از اشعث در زمینه ارتداد اعترافی را مورخین نقل کردند.^۳

به گفته ابن اعثم کوفی، او در این مدت، جایگاه ویژه در نزد ابوبکر پیدا کرده بود.^۴ او با آغاز فتوحات شام، همراه با سپاه اسلام، راهی یرموک شد و فعالیت سیاسی-نظامی خود را آغاز کرد؛ اما دیری نپایید که در آن جنگ، یک چشم خود را از دست داد^۵ فلذا بعد از او به آن لقب اعور (یک چشم)^۶ دادند. صفدی از قول واقدی وی را فرمانده یکی از گردان های لشکر اسلام در یرموک خوانده است.^۷

1 وفد علی النبی صلی الله علیه و سلم بسبعین رجلا من کنده: معجم الصحابه، ج 2، ص 536؛ تاریخ طبری، ج 11، ص 544

2 کان ارتد، ثم عاد إلى الإسلام فی خلافة أبي بكر رضى الله عنه: معجم الصحابه، ج 2، ص 536؛ تاریخ طبری، ج 11، ص 544

3 «وقال إسماعيل بن أبي خالد، عن قيس بن أبي حازم: شهدت جنازة فيها الأشعث، و جرير، فقدّم الأشعث جريرا، و قال: إنه لم يرتد، و قد كنت ارتددت»: اسد الغابه، ابن اثیر، ج 1، ص 249؛ الاستيعاب، ابن عبد البر، ج 1، ص 134؛ الاصابه، ابن حجر عسقلانی، ج 1، ص 182 (ت ترکی).

4 . الفتوح، ج 1، ص 68.

5 . فتوح البلدان، فتوح البلدان ص 185 (المعارف)؛ المحبر، ص 261؛ المعارف، ص 586؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 9، ص 118؛ البرصان و العرجان و العميان و الحولان، ص 566.

7: الوافی بالوفیات، ج 9، ص 274.

اشعث پس از این، دوباره به مدینه بازگشت؛ و در فتوحات شرق جهان اسلام هم سهمی داشت.^۱ لذا گفته اند: او در نبردهای یرموک، قادسیه، مدائن، جلولاء و نهاوند شرکت داشت.^۲

اشعث در نهاوند میمنه سپاه اسلام را در اختیار داشت.^۳ او به دستور خلیفه، در شمار جانشینان فرماندهی کل نیروهای اسلام قرار گرفت^۴ و در نهایت با نیروهایش، آذربایجان را فتح نمود^۵. با روی کار آمدن عثمان، اشعث نیز ترفیع درجه یافت و فرماندار آذربایجان شد که بعداً خواهیم گفت به خاطر عزل از اینجا با امیر المومنین دشمنی ورزید^۶. خیلی از مردم معتقد بودن علت کارگزاری اعث بر آذربایجان ازدواج دختر اشعث با پسر عثمان بود^۷. ظاهراً همین نسبت بود که باعث شد عثمان دست اشعث را در حکومت آذربایجان باز بگذارد.

چراکه برخی از گزارش ها بیانگر آن است که عثمان سالانه، صد هزار درهم از خراج آذربایجان را به اشعث می کرد!^۸ همین پول های مفت و باد آورده از بیت المال باعث تجدید نظرامیر المومنین در ابقا اشعث بر آذربایجان نمود چون شرط امیر المومنین در ابقا کارگزاران عثمان این بود که دریافتی های بی جهت از بیت المال نداشته باشن که اشعث این شرط را نداشت.

-
- 1 فتوح البلدان، فتوح البلدان ص 370 (ط المعارف) و نیز ر.ک: المنتظم، ج 5، ص 168 ؛ الوافی بالوفیات، ج 9، ص 274 ؛ الاستیعاب، ج 1، ص 134 ؛ البدء و التاريخ، ج 5، ص 156 ؛ تاریخ الطبری، ج 11، ص 544 ؛ عیون الاثر، ج 2، ص 301.
 - 2 . اسد الغابه، ج 1 ، ص 249 ؛ الاستیعاب، ج 1، ص 134 ؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 9، ص 131 ؛ تهذیب الاسماء و اللغات، ج 1 ص 124 ؛ الوافی بالوفیات، ج 9، ص 274 ؛ المقفی الكبير، ج 4، ص 38 ؛ تهذیب التهذیب، ج 1، ص 359 و نیز ر.ک: المحبر، ص 261.
 - 3 فتوح البلدان، ص 428 (دار المعارف) ؛ المنتظم، ج 4، ص 290.
 - 4 . اخبار الطوال ص 135 ؛ مرآت الزمان، ج 5، ص 303 ؛ الانساب للصحاری، ج 1، ص 354 ؛ معجم البلدان، ج 5، ص 362. الفتوح البلدان ص 425 (ط المعارف).
 - 5 . «وغزا أذربيجان في خلافة عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ»: طبقات الكبرى، ابن سعد، ج 6، ص 160.
 - 6 اسد الغابه، ج 1، ص 249 ؛ اخبار الطوال، ص 156 ؛ سیر اعلام نبلاء، ج 2، ص 41 ؛ نخب الأفكار فی تنقیح مبانی الأخبار فی شرح معانی الآثار، بدرالدین العینی، چ وزارت اوقاف قطر، ج 13، ص 431 ؛ البدايه و النهايه، ج 10، ص 491 ؛
 - 7 اخبار الطوال، ص 156 و نیز ر.ک: المناقب المزیديه فی أخبار الملوك الأسديّة، ابن نما حلی، مکتبه الرساله الحديثه، عمان، ج 1، ص 73.
 - 8 تاریخ طبری، ج 5، ص 130 ؛ الغارات، ج 1، ص 365 ؛ الكامل، ج 2، ص 719 ؛ ر.ک: انساب الاشراف، ج 2، ص 416.

اقدامات اشعث در زمان حکومت امیر المومنین

پس از اینکه مسلمین با امیرمؤمنان علیه السلام بیعت کردند، حضرت برای بلاد اصلی حکومت خویش فرماندارانی را معین کرد. و حضرت به طور مستقیم در حکومت داری شهر های کوچک تر دخالت نداشتن و فرمانداران مناطق کوچک را منصوبین از طرف حضرت تعیین میکردند.

بدین ترتیب حضرت، عثمان بن حنیف را برای بصره، سهل بن حنیف را برای شام، عبیدالله بن عباس را برای یمن، قثم بن عباس را برای مکه، قیس بن سعد را برای مصر انتخاب می کند؛^۱ که این چند شهر جز شهر های اصلی حکومت امیر المومنین بودند و با توجه به اوضاع آشفته کوفه پس از رد عماره بن شهاب از سوی کوفیان^۲، طبق مشورت مالک اشتر، ابوموسی اشعری را ابقاء نمود^۳. بنابراین به هیچ وجه عزل یا ابقای اشعث بن قیس کندی که آن زمان دز آذربایجان حاکم بود در دستور کار امیر المومنین نبود.

مورخان گفته اند: حضرت در ضمن نامه اش به اشعث قدری از جریانات فتنه جمل را شرح داد و در آخر بیان فرمود: «حکومت آذربایجان، امانتی در نزد تو بود و بیت المال آنجا نیز اموال خداست. پس تو امین بر آن هستی و تا زمانی که آن را به من بازگردانی، بر من است که از بدترین فرماندهان تو نباشم»^۴.

اشعث نیز در جمع مردم آمد و خطبه ای را ایراد کرد. او در خطبه اش گفت: «ای مردم، عثمان مرا به فرمانداری آذربایجان منصوب کرد. او هلاک شد؛ اما ولایت اینجا در دست من ماند»؛ سپس ادامه داد: «مردم همانا مردم با علی علیه السلام، بیعت نموده اند. حال ما نیز موظفیم که از او اطاعت نماییم». او بعد از این، مسائل بین علی علیه السلام و دشمنانش را تمام شده خواند و اذعان نمود که حضرت در وقایع بین او و دشمنانش امین است^۵.

1 تاریخ الطبری، ج 4، ص 442؛ اخبار الطوال، ص 141؛ تاریخ ابن خلدون، ج 2، ص 604؛ تجارب الامم، ج 1، ص 464؛ الکامل، ج 3،

ص 565؛ المنتظم، ج 5، ص 75 و نیز ر.ک: البدء و التاریخ، ج 5، ص: 210؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 179.

2 الفتنه و وقعة الجمل، ج 1، ص 100؛ تاریخ الطبری، ج 4، ص: 442؛ تجارب الامم، ج 1، ص 465؛ الکامل، ج 2، ص 566؛ المنتظم،

ج 5، ص 76؛ البدایه و النهایه، ج 7، ص 229؛ تاریخ ابن خلدون، ج 2، ص 604.

3 تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 178.

4 الامامة و السیاسیه، ج 1، ص 111؛ وقعة صفین، نصر بن مزاحم، ص 20.

5 عقد الفرید، ابن عبد ربّه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج 5، ص 78؛ الامامة و السیاسیه، ج 1، ص 112؛ المناقب المزیدیة فی أخبار

الملوک الأسدیة، ابن نما حلی، ص 74؛ الفتوح، ج 2، ص 503.

50. المعجم الكبير، طبرانی (م 360)، محقق حمدي بن عبد المجيد السلفي، دارالنشر مكتبة ابن تيمية، القاهرة، طبعة الثانية.

51. الموتلف والمختلف، الدارقطني (م 385) المحقق موفق بن عبدالله بن عبدالقادر، دارالغرب الاسلامي، طبعة الاولى، 1406هـ 1986م.

52. الفتنة و وقعة الجمل، سيف بن عمر التميمي (م 200)، محقق احمد راتب عرموش، دارالنفائس، طبعة السابعة 1413هـ 1993م.

53. بغية الطلب، كمال الدين ابن العديم (م 660هـ)، تحقيق، سهيل زكار، دارالفكر، بي تا.

54. تاريخ ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد بن خلدون (م 808)، تحقيق: خليل شحادة، المحقق ابو صهيب الكرمي نشر بيت الافكار الدولية.

55. تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر، علي بن حسن (م 571)، تحقيق: شيري، علي، بيروت، دار الفكر، 1415 ق.

56. تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، شمس الدين محمد بن احمد الذهبي (م 748)، تحقيق: دكتور بشار عواد المعروف نشر دار الغرب الاسلامي 2003م.

57. تاريخ بغداد خطيب بغدادى متوفى 436 تحقيق دكتور بشار عواد المعروف دارالغرب الاسلامي بيروت طبعة الاولى 1422هـ 2002م.

58. تاريخ الأمم و الملوك ، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري (م 310)، تحقيق: محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث، ط الثانية، 1387/1967.

59. تاريخ الخميس، حسين بن محمد البكري (م 966)، بيروت، دارالصادر، بي تا.

60. تاريخ اليعقوبي، احمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب واضح الكاتب العباسي المعروف باليعقوبي (م بعد 292)، بيروت ، دار صادر، بي تا.

61. تاريخ اليعقوبى، احمد بن أبى يعقوب بن جعفر بن وهب واضح الكاتب العباسى المعروف باليعقوبى (م بعد 292) طبع لندن بمطبع بريل سنه 1883 ميلادى.
62. تاريخ خليفه بن خياط، أبو عمرو خليفه بن خياط بن أبى هبيرة الليثى العصفري الملقب بشباب (م 240)، تحقيق اكرم اضيار العمرى مجلد واحد نشر دارالطبعة بالرياض الطبعة الثالثة.
63. تجارب الأمم، ابو على مسكويه الرازى (م 421)، تحقيق ابو القاسم امامى، تهران، سروش، ط الثانية، 1379 ش.
64. تذكرة الخواص، سبط ابن جوزى (م 654)، قم، منشورات الشريف الرضى، 1418 ق.
65. تهذيب الكمال، مزى، يوسف بن عبدالرحمن (م 742)، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1400 ق.
66. حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، ابو نعيم اصطهبانى (م 430)، نشر السعادة، 1394 هـ 1974 م.
67. جمهرة النسب، هاشم ابن كلبى (م 204)، تحقيق: الدكتور ناجى الحسن، نشر عالم الكتب، مكتبة النهضة العربية، طبعة الاولى، 1407 هـ 1986 م.
68. روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، فتال نيشابورى (م 508)، تحقيق غلام محسن مجيدى و مجتبى الفرجى انتشارات دليل ما.
69. سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خير العباد، محمد بن يوسف الصالحى الشامى (م 942)، تحقيق مصطفى عبدالواحد و آخرون نشر المجلس الاعلى للشئون الاسلامية.
70. -شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد (م 656 ق)، تحقيق: ابراهيم، محمد ابو الفضل، قم، مكتبة آيت الله المرعشى، النجفى، 1404 ق.
71. الشعر و الشعراء، ابن قتيبة دينورى (م 276) محقق: اسامة احمد شاكر، دارالمعارف، القاهرة، طبعة الثانية، 1387 هـ 1967 م.

72. الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه : محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى تحقيق محمد زهير بن ناصر الناصر نشر دار طوق النجاة مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي الطبعة: الأولى، 1422هـ.

73. عقد الفريد، ابن عبد ربه الأندلسى (م 328)، المحقق محمد سعيد العريان نشر المكتبة التجارية الكبرى 1372هـ 1953م.

74. عيون الاثر فتح الدين يعمرى الربعى متوفى 734 تعليق ابراهيم محمد رمضان دارالقلم بيروت طبعه الاولى 1414هـ 1993م.

75. فتوح البلدان، لبلاذرى أبو الحسن أحمد بن يحيى البلاذرى (م 279)، بيروت، دار و مكتبة الهلال، 1988.

76. فتوح البلدان لبلاذرى حققه و شرحه و علقه عبدالله انيس الطباع مؤسسة المعارف بيروت 1407هـ 1987م.

77. كتاب سليم بن قيس، هلالى، سليم بن قيس (م 76 ق)، تحقيق: انصارى زنجانى، قم، نشر الهادى، 1405ق.

78. كتاب الفتوح، أبو محمد أحمد بن اعثم الكوفى (م 314)، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالأضواء، ط الأولى،

1991/1411.

79. كشف الغمة فى معرفة الأئمة، على بن عيسى، اربلى (م 692)، تحقيق: دار الاضواء، بيروت، لبنان.

80. المحبر ابو جعفر بغدادى موفى 245 تحقيق ايلزه ليختن شتير دار الافاق الجديدة بيروت.

81. مجمع البحرين فخر الدين طريحي متوفى 1085 تحقيق احمد الحسينى موسسه تاريخ العربى 1428هـ 2007م.

82. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ابوبكر هيثمى (م 807)، محقق: حسام الدين القدسى، مكتبة القدسى، القاهرة، 1414هـ 1994م.

83. مروج الذهب و معادن الجوهر، أبو الحسن على بن الحسين بن على المسعودى (م 346)، تحقيق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چ دوم، 1409.

84. مروج الذهب و معادن الجوهر للمسعودى محقق كمال حسن مرعى مكتبة العصرىة 1425 هـ طبعة الاولى.

85. مصنف ابن أبي شيبة، (م 235)، محقق: محمد عوامة، الدار السلفية الهندية و دار القبلة.
86. معجم الصحابة، ابن قانع بغدادى، عبد الباقي (م 351)، المحقق صلاح بن سالم المصراى ابو عبد الرحمن مصص.ن نشر مكتبة الغربا الاثرية.
87. معرفة الصحابة، ابونعيم، احمد بن عبدالله (م 430)، تحقيق: عادل بن يوسف العزازى نشر دار الوطن 1419 هـ_1998 م.
88. معجم البلدان، شهاب الدين ابو عبد الله ياقوت بن عبد الله الحموى (م 626)، المحقق فريد عبد العزيز الجندى دار الكتب العلمية.
89. مقاتل الطالبين، ابو الفرج على بن الحسين الأصفهاني (م 356)، تحقيق سيد احمد صقر، بيروت، دار المعرفة، بى تا.
90. موسوعة التاريخ الاسلامى، شيخ محمد هادى اليوسفى الغروى، دارالاضواء، بيروت، لبنان، 1433هـ 2012م.
91. نخبة الافكار فى تنقيح مباني الاخبار بدر الدين العينى متوفى 855 محقق ابوتيميم ياسر بن ابراهيم وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية قطر طبعة الاولى 1429 هـ 2008 م.
92. نسب معد واليمن الكبير، ابن هشام كلبى (م 204)، تحقيق ناجى حسن ،عالم الكتب مكتبة النهضة العربية ، طبعة الاولى ، 1408 هـ، 1998 م.
93. وفيات الاعيان، ابن خلكان (م 681)، تحقيق احسان عباس، دارالصادر، بيروت، 1994 م.
94. الوافى بالوفيات صلاح الدين الصفدى محقق احمد الارناؤوط و تركى مصطفى داراحيا تراث العربى بيروت 1420 هـ 2000 م.
95. وقعة صفين، نصر بن مزاحم المنقرى (م 212)، تحقيق عبد السلام محمد هارون، القاهرة، المؤسسة العربية الحديثة، الطبعة الثانية، 1382، افست قم، منشورات مكتبة المرعى النجفى، 1404.

